

تبیین مولفه های زیبایی شناختی منظر شبانه شهر

گودرز سهرابیان - دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.
فرح حبیب* - استاد دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.

Aesthetics Component of Urban Night Scape

Abstract

In recent decades especially in developing countries, rapid population growth especially followed by rapid constructions, exclusive of urban scale aesthetics criterions in meeting the needs of the excessive population, has made the urban scape facing serious challenges and has turned urban scape, a controversial subject in urban design studies. In day light, people moving across the public realm of the city are able to observe all the corners and details. On the other hand by starting darkness during every night, at which the majority of people tend to spend some quality time for leisure across urban spaces, urban night scape has made the unpleasant views, which were visible during daylight, disappear by emphasizing the aesthetics standards and bring a different face to people sights than it used to be during day time. At this time, criterions of the aesthetics component as one of night scape components, could fulfill the sense of pleasance for people having nocturnal strolls. Therefore in this paper, urban night scape is defined through the 'Light' at the heart of darkness in the night as the first layer of human touch with the urban form. Components such as built and natural components and human and their activities as the premium factors for sense of place have been introduced as the main urban scape constituents. Following what we mentioned above, due to great variety in defining Aesthetics topics, it is being considered as one of the qualitative component of the night scape and its role in human perception process is explained. We also discuss the expectations from night scape regarding aesthetics components and its relation with lighting. In the following, light color is defined as one of the qualitative issues affecting the aesthetics messages of night scape and it is introduced as a robust quantity in the urban night scape layer. Then each of urban scape elements is described according to aesthetics night scape. In this context, at the beginning of the debate, built elements of urban scape layer are expressed and we briefly discussed the role of urban facades during night scape as the most important built issue in urban space structures and spatial sequences and it is followed by other built components based in our space. Lighting accents on architectural achievements are described in this topic, and also the concept of Gestalt Reversal and changes occurred in urban facades which are derived from changes in modern architecture contemplation, during the night scape are defined. Night scape natural factors are described as the natural identical and shaping factors of urbanscape as well as role of water, green masses, topographies, hills and valleys are expressed in aesthetics night scape. Eventually man and his activities as a sense of response to pleasure from behavior settings, observing activities and social interactions during night scape layer are described. In the end we concluded the main objectives of the aesthetics night scape of the city and also the role of each of the components of urban scape was collected in a table.

Keywords: Night Scape, Aesthetics, Lighting, Color

چکیده

افزایش سریع جمعیت در چند دهه اخیر و به دنبال آن روند شتابان ساخت و سازهای بدون توجه به معیارهای زیباشناسانه مقیاس شهری، منظر شهرها را با چالش جدی مواجه کرده است. از طرفی دیگر در زمان تاریکی شب، در لایه منظر شبانه، این مناظر ناخوشایند که در نور روز قابل رویت بودند از نظرهای پنهان گشته و منظر شبانه شهر با تاکید بر معیارهای زیبایی شناسی به کمک نور، چهره متفاوتی را از روز خود به عینیت می رساند. بدین منظور در این مقاله ابتدا منظر شبانه شهر تشریح و به دلیل گستردگی تعاریف پیرامون مباحث زیباشناسی، این مفهوم به عنوان یکی از مولفه های کیفی منظر شبانه تعریف گردیده است. در ادامه رنگ نور به عنوان یکی از موضوعات موثر در پیام های زیباشناسی منظر شبانه معرفی می گردد. نقش هریک از عناصر منظر در منظر شبانه زیباشناسانه ذکر گردیده و در این راستا در ابتدای بحث، نقش عناصر مصنوع لایه منظر تعریف شده و بدنه های شهری و سایر عناصر مصنوع مستقر در فضا، به عنوان مهمترین موضوعات، اجمالاً بیان گردیده است. عناصر طبیعی منظر شبانه به عنوان عامل هویت طبیعی شهر معرفی و نقش و جایگاه آن در منظر شبانه زیباشناسانه تعریف شده و در نهایت، انسان و فعالیت هایش به عنوان حس پاسخ از لذت به یک قرارگاه رفتاری و دیدن فعالیت های انسانها در لایه منظر شبانه تشریح گردیده است. در انتهای مقاله در بخش نتیجه گیری اهداف اصلی منظر شبانه زیبایی شناسانه شهر به همراه نقش هریک از عناصر منظر در جدولی گردآوری و جمع بندی شده است.

واژگان کلیدی: منظر شبانه شهر، زیبایی شناسی، نورپردازی، رنگ.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۲۱۵۹۱۴۲، رایانامه: f.habib@srbiau.ac.ir

این مقاله برگرفته از رساله دکتری تحت عنوان «مولفه های منظر شبانه شهر» به راهنمایی دکتر فرح حبیب و نگارش گودرز سهرابیان بوده که در آن مطالعه زیبایی شناسی به عنوان یکی از مولفه های منظر شبانه شهر معرفی گردیده است.

شهر مکان پیدایی شکل برونی یا چهره شناساننده رویدادها و نهضتها و شکوفایی های اجتماعی و هنری و تحولاتی است که در پی به میان آمدن شیوه های جدید تولید رخ نموده اند و می نمایند. شکل شهر بازگو کننده زندگانی یکایک شهروندان آن است، کسانی که هر یک زندگی فردی و شخصی خود را پی می گیرند و به تناسب توان و نوع پیوندهایی که با محیط شهری برقرار می کنند، شکلی دگر به فضای زندگی انسان می دهد (نوینی، ۱۳۷۳، ص ۶۳). شهر عبارت است از کالبدی برای فعالیت های اجتماعی سازمان یافته، این تعریف ساده عناصر اصلی شهر، یعنی کالبد، فعالیت های اجتماعی و بالاخره سازمان یافتگی و روابط این عوامل را با یکدیگر بیان می کند (فرید، ۱۳۶۸، ص ۴). تماشای شهر، هر چقدر که مناظر آن معمولی باشد می تواند دلپذیر باشد. عوامل متحرک هر شهر، خاصه مردم و فعالیت های آنان، همان قدر در ایجاد تصویر شهر در ذهن موثراند که عوامل ثابت جسم شهر، و آدمیان نه تنها ناظر مناظر شهر اند بلکه خود نیز جزئی از آن هستند. در حال حاضر شهری که محیطش زیبا و دلنواز باشد، نادر است و یا حتی به گمان برخی اصلا وجود ندارد. شهری زیبا آن است که تمام مظاهر آن نیکو باشد. تنها پاره ای از شهرها اجزائی خوش دارند و اکثر مردم زشتی شهری که در آن ساکن هستند برایشان آشکار است و از تراکم، دود، آشفته گی و یکنواختی بسیار آن شکایت دارند (مزینی، ۱۳۸۷، ص ۱۰). در راستای رسیدن به شهری با مناظر و سیمای سامان در شهرها نیاز به الگویی مناسب برای زیباسازی وجود دارد. الگویی که در صورت اعمال آن بتوان به آشفته گی های کالبدی و بصری شهرها خاتمه داد. فضاهای شهری با فعالیت های درونی آن تعریف می شود و همین فعالیت ها و روابط مابین انسان ها، تصاویر ذهنی و از سوی دیگر خاطره شهری را سبب می شود؛ بدین معنی که هرچه قدر یک مکان دارای بستر

مناسب بیشتری برای فعالیت های مختلف باشد به میزان حافظه جمعی آن جامعه افزوده می شود. بر اساس فعالیت هایی که در یک مکان انجام می شود، خاطره هایی در ذهن استفاده کنندگان آن فضا نقش می بندد و جزئی از تصویر ذهنی آنها از مکان می شود. لذا جهت بهبود حیات شبانه اجتماعی نیاز به وجود فضاهای عمومی غنی در شب حس می شود. ارتقاء تصاویر ذهنی خوانا و مطلوب از فضاهای شهری در شب میتواند به سرزندگی و کیفیت آن فضاها در شب و در نهایت بالابردن حیات شبانه اجتماعی شهر بیانجامد. پرداختن به تصاویر ذهنی ساکنان از آن جهت اهمیت بیشتری می یابد که به دنبال آن، کیفیاتی نظیر «معنی، هویت و خوانایی» مطرح می شود. اکثر مدیران و کارشناسان ما در عمل بین ذهنیت و عینیت تفاوتی نمی گذارند و به آنچه در ذهن شهروند می گذرد اهمیت نمی دهند. ایشان در تئوری و عمل، به تصاویری که شهروند ایرانی بر اساس تجربیات فردی و جمعی خود در طول تاریخ، در ذهن خود از مکان های زندگی اش پرورانده است، بی توجه اند. تصویر ذهنی شهروندان از شهر در شب متفاوت میباشد، بنابراین میتوان با در نظر گرفتن معیارهای شکل گیری تصویر ذهنی در شب و با تاکید بر عناصر عمده تاثیر گذار بر آن در طراحی فضای شهری موجب ارتقاء تصویر ذهنی شهر در شب و خوانایی و پویایی هرچه بیشتر فضای شهری در شب شد.

از سویی دیگر، شهر به عنوان بستر زندگی انسانها، حاصل مداخلات آنها در محیط طبیعی جهت تامین نیازهایشان در مقاطع مختلف تاریخی بوده و از نحوه ترکیب محیط انسان ساخت با محیط طبیعی بر اساس فعالیت های انسانها شکل شهرها حاصل می گردد. افزایش مداخلات انسان در محیط طبیعی بالاخص در کشورهای در حال توسعه به دلیل بالا رفتن جمعیت و رشد سریع شهرنشینی و تسلط محیط انسان ساخت حاصل از روابط انسان معاصر، چهره شهرها را دگرگون کرده و در معرض

تهدید قرارداده و یکی از موضوعات اصلی طراحی شهری را مطالعه پیرامون منظر شهر مبدل کرده است. منظر شهر به عنوان اولین لایه سطح تماس انسان با شکل شهر، تصویری از خود را در معرض نمایش گذاشته و در نور طبیعی شرایطی را به وجود می آورد که تمامی جلوه ها و زوایایش قابل رویت بوده و انسان با حرکت در فضا، محیط را با تمامی ویژگی های بصری اش درک می کند. مناظری که گاه دارای ارزش زیباشناسانه و بالطبع دلچسب بوده و گاه آزاردهنده می باشند. با فرا رسیدن شب و زمان تاریکی قدرت بینایی کاهش یافته و مناظری که در روشنایی روز تمام رخ جلوه نمایی می کردند از نظرها پنهان می گردند. این در حالی است که با فرارسیدن این لحظه از شبانه روز، زمان اوقات فراغت عموم افراد جامعه نیز فرارسیده و حضور انسانها در فضاهای شهری افزایش یافته و پرسه زدن های شبانگاهه آغاز می گردد. در زمان تاریکی، محیط های شهری منظر شبانه خود را با استفاده از نور در معرض نمایش گذاشته و اجزاء خود را نمایان می سازند. در این زمان منظر شبانه شهر به عنوان یک فرصت می تواند شرایطی را به وجود آورد که زشتی های روز قابل رویت نبوده و زیبایی ها جلوه گر شوند و مناظری که در زمان روشنایی روز کاملاً قابل رویت و شاید آزاردهنده بودند، در تاریکی شب از دید افراد پنهان گشته و چهره متفاوتی از خود را جلوه گر می سازند و از طرفی دیگر مناظری که در زمان روشنایی روز دارای ارزش های زیباشناسی و مطلوب بوده اند، در زمان تاریکی و در لایه منظر شبانه شهر از طریق نورپردازی مناسب، زیباتر از روز خود جلوه نمایی می کنند.

چنانچه فرصت به وجود آمده برای منظر شبانه شهرها کنترل نشده و استفاده مطلوب نگردد منظر شبانه شهر می تواند به شکل ناخوشایندی جلوه گر گشته و تهدید بصری جدی تری نسبت به زمان روز خود نیز باشد. اتفاقی که در حال حاضر گریبانگیر بسیاری از شهرهای بزرگ کشورمان بوده و منظر

شبانه شهر به صحنه نمایش قدرتمندان و ثروتمندان تبدیل گردیده است. پیشرفت تکنولوژی و ساخت انواع لوازم روشنایی شرایطی را به وجود آورده که منظر شبانه شهرها صحنه نمایش قدرت ثروتمندان شده و استفاده ابزاری از نور اغلب بدون توجه به موضوعات کیفی تنها جهت به رخ کشیدن اموال و دارایی های افرادی باشد. منظر شبانه شهر می تواند شرایطی را به وجود آورد که نیاز زیباشناسی افراد تامین شده و در زمان تاریکی شب تجربه متفاوتی از خود را عینیت بخشاید. در این مطالعه زیباشناسی به عنوان یکی از مولفه های منظر شبانه شهر معرفی و نقش آن در منظر شبانه شهر تشریح می گردد.

روش تحقیق

در این مطالعه روش توصیفی- تحلیلی جهت تدوین مقاله استفاده گردیده است. بدین منظور جهت شفاف سازی متون و رسیدن به هدف اصلی مطالعه، معیارهای مولفه زیبایی شناسی منظر شبانه شهر، منابع در ارتباط با منظر شهر و جایگاه آن در فرآیند طراحی شهری و همچنین مولفه زیبایی شناسی به عنوان یکی از مهمترین نیاز های انسان مطالعه و بررسی شده است. بدنبال آن جهت نیل به تالیف معیارهای مولفه زیبایی شناسی منظر شبانه شهر، متون تخصصی پیرامون منظر شبانه شهر و نورپردازی فضاهای شهری مطالعه و همچنین نمونه های موفق جهانی در ارتباط با این موضوع، دستاوردها و اصول اصلی آنها مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت هدف اصلی این مطالعه تدوین معیار های مولفه کیفی منظر شبانه شهر بوده و در بخش نتیجه گیری در قالب جدولی بیان گردیده است.

ادبیات تحقیق

«رویکرد پازتیو» به دانش طراحی شهری به منزله نگاه متفاوت به تشخیص ارزشهای محیطی است که نیازمند فرآیند متفاوتی از اقداماتی در جهت تولید راه حل های کیفی به مسئله و نگرشی متفاوت به خصاص مکان در جهت تشخیص جوهره و ماهیت ویژه آن است. بر این اساس رویکرد پازتیو دارای

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۱۸۹

نگرشی در بعد «ماهیت» و در بعد «رویه» می‌باشد:
۱- «رویکرد رویه‌ای»: مفهوم بعد رویه به رویکرد پارتیو تعیین قدم‌ها و مراحل از اقدامات در روند و فرآیند تصمیم‌سازی و اولویت‌بخشی به آنها در جهت دستیابی به محصول طراحی است. این روند حاوی سلسله مراتبی از اقدامات در خصوص تشخیص مسئله، تحلیل مسئله و ارائه تسلسلی از تصمیمات و راه‌حل‌ها می‌باشد. لیکن مهمترین بخش از فرآیند در بعد رویه تشخیص مقیاس و سطح تفصیل محصول موردانتظار است. به عبارت دیگر حیطه کار و نحوه ارجاء آن به تصمیمات سطوح فرادست و فرودست مهمترین بخشی از تصمیمات بعد رویه را تشکیل می‌دهد. بدیهی است که هر سطح از محصول مورد انتظار تعیین‌کننده عرصه و حیطه عمل، میزان تفصیل برداشت اطلاعات، ماهیت و میزان تفصیل محصولات را در تصمیم‌سازی رقم می‌زند.

۲- «رویکرد ماهوی»: دانش طراحی شهری در فرآیند بلوغ خود تحولات بنیانی را در ابعاد مفهومی شاهد بوده است. بخشی از این تحولات تعمیم تأکیدی‌های سنتی این دانش از ابعاد صرف کالبدی به زمینه‌های معنی و عملکرد است. در این راستا ماتیوکرمونا (۱۹۹۸) موضوعات و مؤلفه‌های کیفی قابل توجه در ابعاد ماهوی را در ۸ موضوع طبقه‌بندی می‌نماید لیکن برخی از آنها مانند موضوعات بصری و زمینه‌ای عملاً در یکدیگر قابل ادغام می‌باشند و نهایتاً مؤلفه‌های چهارگانه «نظم فضایی، نظم بصری، نظم کالبدی و عرصه عمومی» مؤلفه‌های پایه چهارگانه را در بعد ماهوی تشکیل می‌دهند. بدیهی است کلیه مؤلفه‌های پایه چهارگانه کیفیت محیط حاوی مفاهیم ادراکی از منظر بهره‌برداران فضا می‌باشند که همزمان جنبه‌های مضاعف میزبانی مکان را تشکیل می‌دهد.

زیبایی

مطابق تعریف فرهنگ فارسی عمید، زیبا به معنی: زیننده، نیکو، خوب، خوبرو، خلاف زشت. و زیبایی: زیبا بودن، و خوبی. می‌باشد. افلاطون زیبایی را

برداشت انسان از زیبایی در کیفیت اعمال انسانی یا وجه کاربردی زندگی می‌داند: «هرکاری که به وجه زیبایی انجام داده شود زیباست و اگر به طرز زشتی انجام شود زشت است.» او زیبایی را این گونه تعریف می‌کند: «زیبایی همیشه هست نه از بین می‌رود، نه بزرگتر و کوچکتر می‌شود.» طبیعت آن چنین نیست که از یک لحاظ زیبا باشد و از لحاظ دیگر زشت، یا اکنون زیبا باشد و وقت دیگر زیبا نباشد یا در مقایسه با یک چیز زیبا باشد و در مقایسه با دیگری زشت باشد یا در یک مکان زیبا باشد و در مکانی دیگر زشت یا به نظر یک عده زیبا و به نظر عده دیگر زشت. زیبایی چیزی است که باخود و برای خود، ابدی و مطلق وجود دارد. هر امر زیبا به نحوی از زیبایی بهره‌ای دارد. افلاطون در همین قیاس عشق را تعریف می‌کند: به هر خواستی عشق نمی‌گوییم، عشق خواستی غیرمعمول است به همین علت نیز ما یک عده معدود را که از راه ویژه‌ای در جستجوی خوب هستند، عشق می‌نامیم (دریایی، ۱۳۸۶، ص ۱۲). به راستی همه کسانی که در یک شهر تلاش می‌کنند تا زیبایی چشم‌نوازی را برای شهروندان بیافرینند، چه معمار چه شهرساز و چه هنرمند عاشق است میل به خوبی دارد و این عشق و خوبی او را به وادی نامحدود هنر آفرینی زیبایی‌ها رهنمون می‌سازد. اگر زیبایی را صرفاً کیفیتی ساده‌انگاریم تنها به راه درک آن از طریق شهود اکتفا کردیم در حالیکه ما در قبال موضوعات زیبا شناسانه و مقایسه آنها به احتجاج و دلایلی برای استدلال و توجیه منطقی نیازمندیم. یعنی ما ملاک‌هایی را در نظر بگیریم تا توسط آنها بتوانیم نازیبایی را در میان عوامل زیبا تشخیص دهیم. در درک زیباشناسانه هنر هم عوامل عاطفی و هم عوامل عقلی در آن دخالت دارند. یعنی موضوعی مرکب است. کانت در کتاب نقد داوری درباره داوری زیبا شناختی بین داوری ذوقی و داوری موضوعات مطبوع تفاوت می‌گذارد. داوری ذوقی را فارغ از تعلقات منفعت طلبانه و داوری مطبوع به بهره‌مندی

زیبایی شناسی شهری

رفتار زیباشناختی عبارتست از قابلیت آنکه از اشیاء چیزی درک کنیم بیش از آنچه که اشیاء هستند (پاکزاد، ۱۳۸۸، ص ۹۳). لغت زیباشناختی (استتیک) در اصل یونانی است و به معنی ادراک است. علم زیباشناختی به معنای وسیع کلمه به بررسی و روشهای احساس محیط و موقعیت فرد در داخل آن می پردازد. شناختن زیبایی، شناسائی انواع زیبایی ها، علمی که درباره زیبایی و احساساتی که از مشاهده زیبایی در انسان پیدا می شود بحث می کند و علم الجمال می باشد (دریایی، ۱۳۸۶)؛ یعنی ما ملاکهایی را در نظر بگیریم تا توسط آنها بتوانیم نازیبایی را در میان عوامل زیبا تشخیص دهیم (دریایی، ۱۳۸۸، ص ۲۵). این ملاکها در شهر با توجه به مولفه ای مختلفی بررسی می شود؛ یعنی ما قواعدی در رابطه با ابعاد، فرم، رنگ، طراحی و مکان یابی عناصر شهری وضع نموده و زیبایی شهر را بر این اساس بسنجیم. بیشترین شهرهایی که هم اکنون زیباترین فرض میشوند نتیجه متراکم ممنوعیت ها و راهنماییها در مورد ساخت، اندازه ها، کاربردها و ویژگی ها هستند این منجر می شود به امتیازات اساسی، درعین حال سبک ها، ایمنی و اغلب موارد روشهای عملی را بهبود می بخشد.

زیباسازی شهری

مطابق مصوبه کمیته زیباسازی کلانشهرهای کشور در سال ۱۳۸۰، زیباسازی به کلیه اقدامات آگاهانه ای گفته می شود که توسط شهرداری ها برای ارتقاء کیفیت محیط شهری صورت پذیرفته و شهر را برای زندگی ساکنانش مناسب تر می سازد (سعیدی، ۱۳۸۶). زیباسازی عبارتست از فرایند بهبود، بهسازی و یا پیشرفت بصری (دیداری) که برای یک شخص، مکان و یا چیزی انجام می شود. زیباسازی با توجه به شهرک، شهر، و یا منطقه شهری شامل: کاشت درخت، بوته زار و سایر گیاهان سبز و همچنین اغلب شامل افزودن چراغ ها و کف سازی با آجر و سایر مواد و مصالح طبیعی، بعضی اوقات استفاده از قلوه

حواس ظاهری ما مربوط می داند. وی حتی زیبایی را به دو قسم آزاد و وابسته تقسیم می کند. همچنین به نقش قوه تخیل و فاهمه در درک زیبایی تأکید می ورزد (دریایی، ۱۳۸۶، ص ۲۵). در همین حال شوپنهاور تجربه شناختی اشیاء را در حالت آزاد و فارغ از خواستها و محدودیت های فردی مورد تأمل قرار می دهد. ولی نکته قابل تأمل و اساسی آن است که برای دریافت معیارهای زیبا شناختی باید در باره جامعه و زمانه ای که اثر هنری یا شهردر آن آفریده شده است آگاهی کسب کنیم. به عبارت دیگر اگر شهر را همچون اثر هنری زنده ای بدانیم که گروهی از اجتماعات در آن زاده شده، بلوغ یافته، زندگی کردند و رفتند و بر این اثر، اثری گذارده اند، پس شناخت آن جوامع و دوره های مختلفی که این شهر را متحول کرده است و یا حتی اثر منفی و مخرب بر آن داشته اند می تواند در قضاوت زیبا شناسانه ما مؤثر افتد. کانت در تعریف زیبا می گوید: زیبا چیزی است که رها از غرض و بهره موجب لذت گردد به عبارت دیگر زیبا آن است که لذت را بیافزیند. «کانت معتقد است که با دیدن پدیده ای زیبا لذتی در ما بوجود می آید. وی در بیانات خود از دوحس زیبایی و والائی یاد می کند. زیبایی به ادراک حسی ارتباط می یابد ولی درک والایی با مفاهیم عقلی در ارتباط است. خود والایی به والایی ریاضی و والایی پویا تقسیم می شود. در همین ارتباط زیبایی هنری و زیبایی طبیعی را جداگانه بررسی می کند، زیبایی هنری را موضوعی و زیبایی طبیعی را عینی می داند» (دریایی، ۱۳۸۶، ص ۲۵). ما در بررسی زیبایی منظر شهری می توانیم از این دو تقسیم بندی بهره جسته و در شهر با توجه به اقلیم و موقعیت جغرافیایی که دارد، دست به اقدامات زیبا سازی بزنیم. همچنین با توجه به ویژگیهای فرهنگی و تاریخی و پیشینه آن شهر و با استفاده از زیبایی طبیعی، زیبایی های هنری موضوعی را خلق کنیم که در ایجاد لذت در شهروندان نقش مهم و حساسی را ایفا می کند.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۱۹۱

سنگ برای پیاده روها و تامین امکانات و تجهیزاتی برای ماشین‌های سواره می‌باشد. پروژه‌های زیباسازی توسط شورای شهر تصمیم‌گیری برای نوسازی، مناطق پائین شهر، به منظور افزایش توریست و بهبود سایر امور تجاری و بازرگانی می‌شود.

هدف زیباسازی فراهم آوردن محیطی است که تمامی شهروندان در آن احساس لذت کنند. نگاه زیباسازی به شهر ارتقاء کیفیت محیط شهری است و برای رسیدن به این اهداف از ۴ روش بصورت کلی استفاده می‌نماید:

۱- رفع نازیبایی‌ها؛

۲- وضع قوانین، ضوابط و مقررات شهری برای ایجاد و حفظ زیبایی‌ها؛

۳- احداث و بهبود فضاهای شهری مناسب و متنوع؛

۴- به کارگیری مبلمان شهری مناسب و استاندارد (سعیدی، ۱۳۸۶).

چهره شهر با رفع نازیبائیها اصلاح و با رعایت قوانین و مقررات شکل واقعی خود را پس از گذشت مدتی باز می‌یابد. همچنین نیازهای فیزیکی و روانی شهروندان و اعضاء این خانواده بزرگ با ایجاد و گسترش فضاهای شهری و بکارگیری مبلمان مناسب بر طرف می‌گردد؛ بنا بر نص صریح قانون، شهرداری‌ها موظف به رفع نازیبائی از چهره شهر هستند. رفع نازیبائی اولین و کم هزینه‌ترین اقدام در رسیدن به شاخصه‌های زیباسازی شهری است.

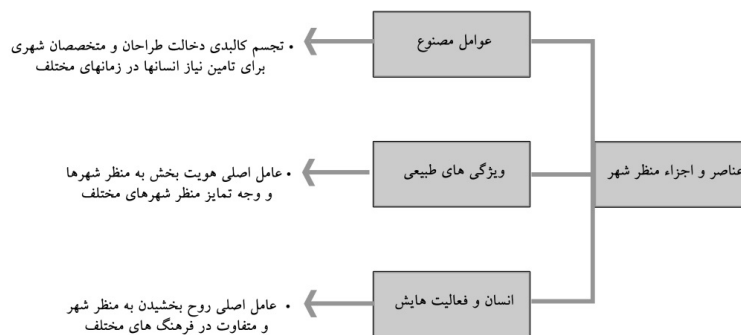
منظر شهری

منظر شهری هنر یکپارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمانها، خیابان‌ها و مکان‌هایی است که محیط شهری را می‌سازند. مفاهیم منظر شهری اولین بار به وسیله گوردون کالن در مجله آرشیکتورال ریویو عنوان شد. دورنمای شهر (منظر شهر) را هر روز می‌بینیم و لذت بصری ما از شهر درگروی وجود یک منظر شهری خوب می‌باشد. از یک منظر خوب شهری وقتی آگاه می‌شویم که آنرا به چشم ببینیم- شکل،

مقیاس و زیبایی ساختمانهائی که شریک در ایجاد این منظر هستند، مورد تمجید قرار می‌دهیم- از تغییرات غیرمنظره در آن پرهیز می‌کنیم و در مقابل از دست دادن ساختمانهای آشنا و ارزشمند در شهر مقاومت می‌کنیم و خطر ناشی از ترافیک که ما را از خیابان‌ها و کوچه‌ها به انزوا می‌کشاند، جایی که زمانی در آن در امنیت کامل قدم می‌زدیم، درک میکنیم و به دلیل این درک و حساسیت در حفظ فضای شهری در فکر اعتلای منظر شهری از وضعیت موجود به یک وضعیت برتر هستیم. گرچه منظر شهری هیچوقت کامل نبوده و نخواهد بود، ولی پهلوی هم گذاری اجزاء سازنده آن، ساختمانها، خیابان‌ها و فضاهایی که در فرم و شکل فضائی آن موثر هستند، به مثانه جمله ای است که دارای ساخت علمی بوده، و معنی کامل وقتی از آن استنتاج می‌شود که قواعد و ارتباط لازم بین کلمات مراعات شده باشد (طیبیان، ۱۳۷۷، مقدمه). در واقع منظر شهری، مجموعه‌ای از هماهنگی و تناسبات فیزیکی اشیاء و ساختمانها در یک شهر و تاثیر بصری آن بر روی حواس انسان را بررسی می‌کند. در ترکیب یک منظر شهری عوامل مختلفی دخالت دارند، از جمله آنها می‌توان به راههای پیاده رو، کف، موانع (آب، درختان، تغییر سطح، نرده کشی)، درختان، خطاطی روی دیوارها، تبلیغات، نرده کشی‌ها، حصارها، پله‌ها، جاده، روشنایی خیابان‌ها، دیوار، بازدارنده‌ها، نشانه‌ها، آب، تغییر سطح، اشاره کرد. چینش اشکال و عناصر شهر، ساختمانها و عوامل موثر در منظر شهری فضاها و احساسهای مختلفی را در بیننده بوجود می‌آورد. فضاهایی مثل: فضاهای نیم محصور، بسته، فضای برون، فضاهای بسته تودرتو، فضاهای غیرواقعی (واهی)، فضای تعریف شده، فضاهای محصور و احساس‌هایی نظیر: بی‌پایانی، اسرارآمیز بودن، انتظار، اینجا و آنجا بودن، مالکیت، خاطره برانگیز بودن، صمیمیت.

منظر شبانه شهر

در زمان حضور انسان در عرصه‌های عمومی، شکل

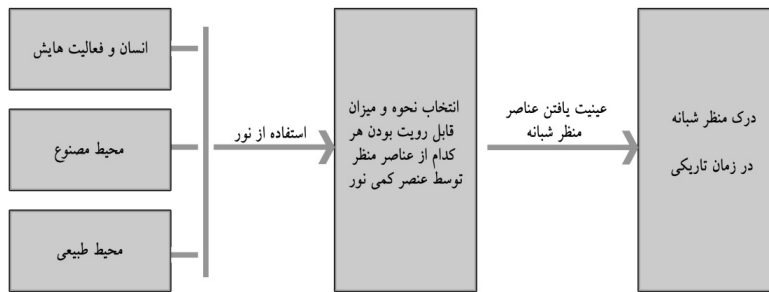


نمودار ۱. نقش اجزای منظر شهر؛ ماخذ: نگارندگان.

مستقیماً محسوس تبدیل می شود (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱). حس بینایی به عنوان حس غالب در این مرحله بیشترین اطلاعات را دریافت کرده و تقریباً هشتاد درصد اطلاعات دریافتی از طریق این حس انجام می گیرد. (Bartenbach, ۲۰۰۹)

در زمان تاریکی شب در انتقال پیام هایی که از طریق حس بینایی دریافت می گردید، اختلال به وجود آمده و لایه منظر شهر به کمک نور قابل ادراک می گردد. در این زمان فیزیک نور مشخص می کند که منظر شبانه شهر برای چه موضوعاتی، از چه فاصله ای، به چه شکلی و برای چه افرادی عینیت یافته و لایه منظر شهری با اهداف مشخص را متفاوت و یا مشابه با روز خود نمایان می سازد. به عبارتی دیگر، منظر شهر در زمان تاریکی خود با سناریوهای مختلف به صحنه تئاتری مبدل می گردد که اجزای و شخصیت های آن از طریق نور به ایفای نقش خود می پردازند. در مرحله بعد اطلاعات دریافت شده از محیط در ذهن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و انسان بر اساس ماهیت وجودی خود که متشکل از تجارب، آموخته ها، خاطرات و طرح واره های ذهنی اش می باشد بخشی از این اطلاعات را در ذهن خود ثبت کرده، معنای معینی برای آنها به وجود می آورد و تصویر ذهنی خود را تشکیل می دهد. این تصویر ذهنی می تواند در منظر شبانه شهر به کمک نور نسبت به تصویر روز خود، قوی تر شده و ذهنیت منسجم تری را برای افراد از شکل

شهر واقعیتی مستقل از ناظر با تمام ویژگی ها و اجزاء ملموس خود در ارتباط با وی قرار می گیرد. اجزا و ویژگی هایی که از طریق حواس پنجگانه انسان قابل درک بوده و بر اساس نظریه اطلاعات، محیط، واقعیتی مستقل از ناظر، فرستنده اطلاعات می باشد. انسان به عنوان مخاطب فضای شهری از طریق حواس پنجگانه خود بخشی از این اطلاعات را دریافت کرده و اطلاعات ارسال شده از شکل شهر شامل عناصر طبیعی، عناصر مصنوع و انسان و فعالیت هایش می باشند (حبیب، ۱۳۹۱، ص ۱۱۹). عناصر مصنوع شکل شهر شامل اقدامات کالبدی می باشند که انسان ها در دوره های زمانی مختلف برای تامین نیاز های خود در بستر طبیعی انجام داده اند و عناصر طبیعی شکل شهر عامل هویت بخش به منظر شهرها بوده و وجه تمایز منظر شهرها نسبت به یکدیگر می باشند. انسان و فعالیت هایش وجه اصلی روح بخشیدن به منظر شهرها بوده که بر اساس تفاوت رفتاری انسانها در فرهنگ های مختلف، متفاوت می باشند. انسان با توجه به موقعیت، زمان و توانایی های فیزیولوژیکی خود بخشی از این اطلاعات ارسال شده از اجزای شکل شهر را ادراک می کند. این پیام ها که توسط حواس انسان دریافت می گردند چنانچه معنای مشترک در ذهن انسان داشته باشند، درک شده، عینیت یافته و لایه منظر شهر را تشکیل می دهند. در این لایه بخشی از اطلاعات محیط به کیفیتی



نمودار ۲. فرآیند ادراک منظر شبانه؛ مآخذ: نگارندگان.

زمینه‌گرا و در نظریات پست مدرنیست‌ها مطرح می‌شود و «کیفیت منظر شهری در این دوره به مثابه رویدادی است که در جریان داد و ستد میان خصوصیات کالبدی و محسوس محیط از یک سو و الگوها، رمزهای فرهنگی و توانایی‌های ذهنی فرد ناظر از سوی دیگر، شکل می‌گیرد» (گلکار، ۱۳۸۷، ص ۱۰۶).

منظر شبانه زیباشناسانه

نظریه‌ها و دیدگاه‌های متعددی پیرامون زیبایی‌شناسی در علوم مختلف مطرح بوده و همین موضوع آن را به یکی از ناشناخته‌ترین نیازها تبدیل کرده است. بر طبق نظریه اطلاعات، اطلاعات سمانتیک یک پیام ذهن انسان را مشغول کرده و در مقابل اطلاعات زیبا شناختی عواطف انسان را مخاطب قرار می‌دهد. براین اساس یک پیام زمانی زیبایی را القا می‌کند که پرت اطلاعاتی کافی داشته باشد و این پرت اطلاعاتی آن قدر باشد که میزان بداعت آن یعنی محتوا زیبا شناختی آن حداکثر دریافت ذهنی انسان باشد تا گیرنده مجبور به تشکیل طرح‌واره شود و ذهن اجباراً خود را معطوف به ادراک بالاتری کند (گروتر، ۱۳۸۸، ص ۹۶). میزان بداعت بایستی در هر سطح ادراکی کمی بیشتر از ظرفیت حداکثر دریافت ذهن باشد. ارضای حس زیبایی‌شناسی - لاقبل تا حدی - زمانی به دست می‌آید که ذهن در مجموعه‌ای از تحریکات ظاهراً غیر منظم و مغشوش موفق به کشف یک نظم نسبی گردد (گروتر، ۱۳۸۸، ص ۹۷). این اطلاعات در منظر شبانه

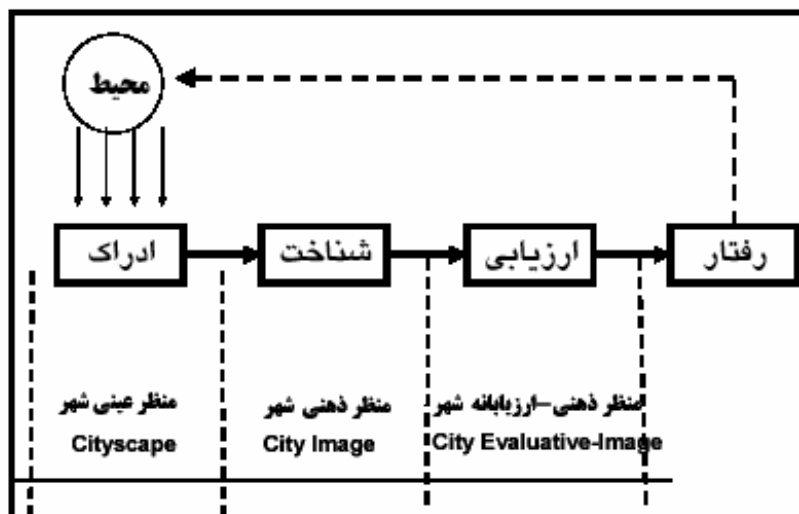
شهر تشکیل دهد.

دکتر کورش گلکار در مقاله‌ای تحت عنوان «محیط بصری شهر» روند تکاملی شهر را به مثابه زنجیره‌ای متشکل از چهار حلقه، که هر حلقه الگوی خاصی از مفهوم منظر شهری را نمایندگی می‌کند، تشبیه نموده است:

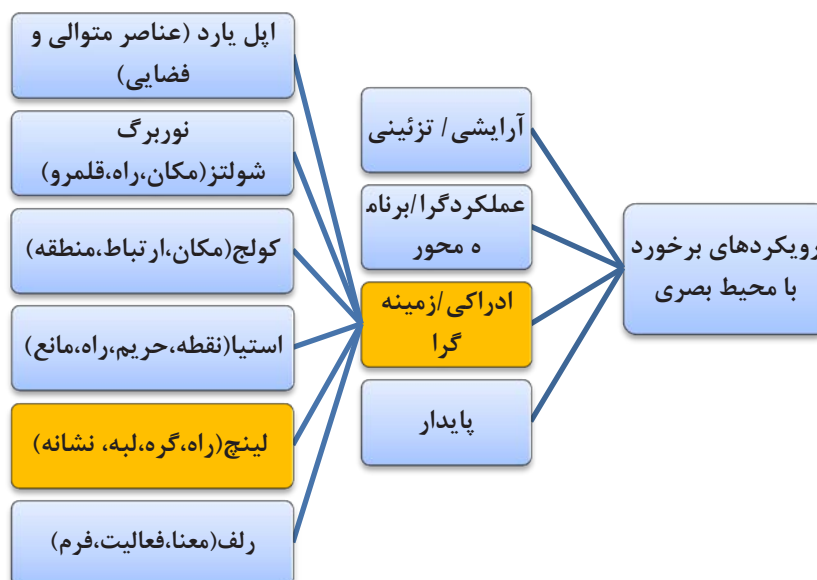
۱. در مرحله نخست محیط شهری هندسه و ویژگی‌های ملموس خود، نظیر ویژگی‌های بصری، صوتی، بو و غیره را در معرض حواس پنجگانه انسان قرار می‌دهد، در این مرحله اصطلاحاً محیط شهری توسط فرد مورد «ادراک» قرار می‌گیرد؛
۲. در مرحله دوم، محیط شهری توسط فرد مورد «شناخت» قرار می‌گیرد. در این مرحله ذهن فرد بر اساس داده‌های محیطی، طرحواره‌های ذهنی، تجارب و خاطرات قبلی تصویری از محیط ساخته و معنای معینی را به محیط الصاق می‌نماید.
۳. در مرحله سوم، ذهن فرد بر اساس شناختی که از محیط به دست آورده و بر مبنای فرآیندهای تائری و ارزیابانه نسبت به محیط واکنش مثبت یا منفی پیدا می‌نماید.

الگوهای مختلفی که تا کنون مفهوم منظر شهری به خود گرفته‌اند عبارتند از:

- ۱- منظر شهری آرایشی- تزئینی؛
 - ۲- منظر شهری عملکردی- برنامه محور؛
 - ۳- منظر شهری ادراکی- زمینه‌گرا؛
 - ۴- منظر شهری پایدار (گلکار، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲).
- مفهوم تصویر ذهنی اولین بار در رویکرد ادراکی-



نمودار ۳. سیستم منظر شهری در فرایند تعامل انسان و محیط؛ ماخذ: گلکار، محیط بصری شهر.



نمودار ۴. رویکردهای برخورد با محیط بصری؛ ماخذ: نگارندگان.

منظر شبانه شهر همانطور که ایمن بوده و امکان حضور انسانها را فراهم می سازد، بدنبال آن بایستی لذت بخش بوده و دارای ارزش های زیبا شناسی باشد. منظری که حس عمومی خوشایندی که برگرفته از راحتی و آسایش بصری است را برای استفاده کنندگان خود در زمان حضور در فضاهای شهری تامین می کند (casciani, ۲۰۱۲). اهمیت

از طریق حس بینایی درک شده و منظر شبانه زیبا را محصول هنری برانگیزاننده حواس انسان بخصوص حس بینایی تعریف می کنیم. محیطی که به تعبیر «سانتایانا» برای نظاره گر خود لذت بخش است و بار ارزشی مثبت آن برگرفته از رویکرد اکولوژیکی ادراک انسان بوده و در ذات شیء یا رویداد می باشد (لنگ، به نقل از سانتایانا، ۱۳۸۳، ص ۲۰۸).

جدول ۱. عوامل سازمان دهنده تصویر ذهنی از دیدگاه نظریه پردازان رویکرد ادراکی - زمینه گرا؛ ماخذ: نگارندگان.

نظریه پردازان رویکرد ادراکی - زمینه گرا					
عوامل سازمان دهنده تصویر ذهنی	لینچ	اپل یارد	نوربرگ شولتز	دیوید استیا	کولج
	راه، گره، لبه، نشانه، حوزه	عناصر متوالی (راه، گره) عناصر فضایی (نشانه، حوزه، لبه)	مکان، راه، قلمرو	نقاط، حریم ها راه ها موانع	مکان ها ارتباطات مناطق
					رلف
					معنا فعالیت فرم

مدیریت شهری

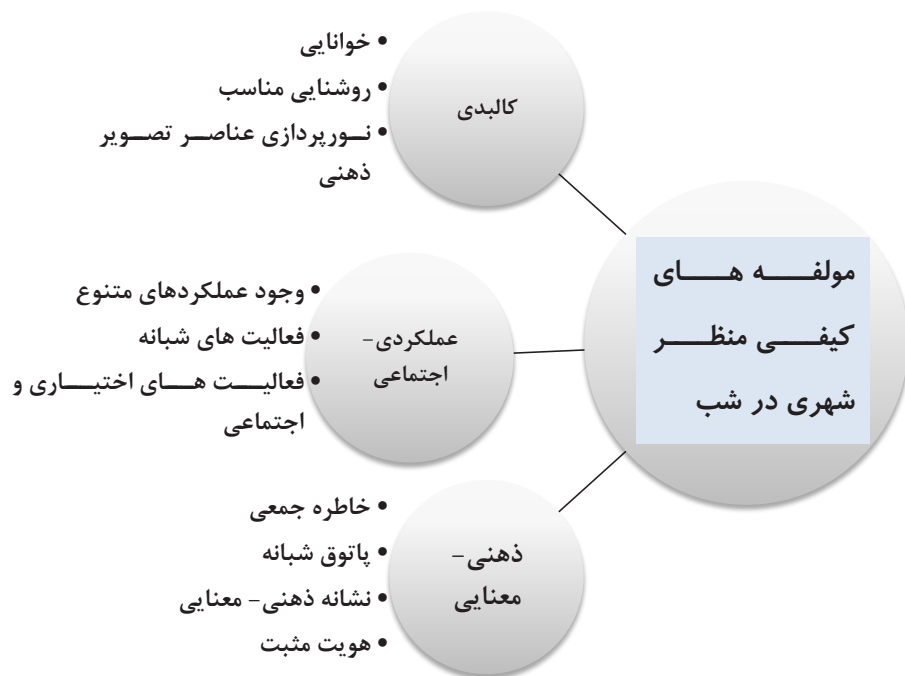
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۱۹۶

مناسب و منطقی می تواند در ایجاد محیط آرام و جذاب مشارکت کند. به نظر می رسد با تغییر نورپردازی بسیاری از مکان ها و فضاهایی که از آنها استفاده می گردد، نه تنها می توان آشفتگی مناظر شب را کاهش داد بلکه جنبه های سلامت انسان و آسایش او در منظر شب نیز تاکید نمود و تاثیر مثبت بر شیوه زندگی انسان مدرن داشت (امین زاده، ۱۳۸۷). برای رسیدن به این موضوع، مفهوم نورپردازی شهر چیزی فراتر از تنها نور پاشیدن به یک المان یا ساختمان شهری بوده و مفهوم نورپردازی در برگیرنده تمامی شهر یا منطقه شهری می باشد و این مفهوم می باید توسط ابزارهای نورپردازی معمارانه، بتواند طراحی هماهنگ و خوش آهنگ در درون خود و همچنین با کل ساختار نوری خلق کنند. در این مقیاس، موضوع تعامل محیط غیر کالبدی و طبیعی، نقش عناصر حیاتی مانند آب و درختان و نورپردازی آنها در کنار عناصر مصنوع و تعامل زیبای میان آنها موجب جذابیت محیط می شود (litcht, ۲۰۰۲).

در فرآیند تدوین و تحلیل منظر شبانه زیباشناسانه می توان تمایزی میان نورهای عملکردی و نورهایی که با مقاصد زیبا شناسانه اجرا و طراحی شده اند قائل شد. همانطور که هدف عملکردی و زیباشناسانه نورپردازی حفظ هویت متمایز یک محیط و قلمرو

تامین ایمنی در زمان تاریکی شب در عرصه های عمومی تا آنجا می باشد که بسیاری از حرفه مندان از روشنایی زمان شب، مشابه با نور روز صحبت کرده اند. موضوعی که کالن از نیاز به مهندسین برق و محاسبه میزان روشنایی توسط آنها و نبود نقطه کور در شب صحبت می کند (کالن، ۱۳۸۲)؛ به عبارت دیگر منظر شبانه اطلاعات کافی را در اختیار انسانها قرار داده تا آنها بدون ترس و واهمه به دریافت اطلاعات خود عکس العمل نشان داده و در فضا حضور پیدا کنند و این حضور انسانها باید با تامین نیاز زیباشناسی آنها همراه باشد. در منظر شبانه زیباشناسانه عناصر مصنوع امکان قرائت اطلاعات بصری برای مخاطبان فضا را فراهم ساخته و بدنبال آن استفاده کنندگان فضا استفاده ایمن و لذت بخش از فضا را تجربه می کنند (lam, ۱۹۶۵). استفاده لذت بخش از محیط در شب به معنی ایجاد فضایی صرفاً برای بازدید کنندگان نبوده و طرح نورپردازی موفق بایستی بتواند فضایی را خلق کند که به خوبی روشن (و نه افراطی روشن) باشد تا برای ساکنان آن مطلوب باشد (Jarvis and charnley, ۲۰۱۲). از طرفی دیگر افراط و تفریط در نورپردازی می تواند در ایجاد تنش های حسی، افزایش اضطراب و نیز مشکلات جسمی ناشی از آن نقش بسیار مهمی داشته باشد و یک نورپردازی



نمودار ۵. معیارهای ارزیابی تصویر ذهنی در شب؛ ماخذ: نگارندگان.

نور، جهت تابش نور و موقعیت منبع نوری شمایل متفاوتی را از نورپردازی جلوه گر می نمایند.

رنگ در منظر شبانه شهر

رنگ بخشی از ادراک بینایی می باشد که بتوان توسط مشاهده با یک چشم (و بدون حرکت آن) لکه ای مجرد از ساختارش را از لکه ای مجاور تمیز داد. در یک سبک با نظم پیچیده، در مقایسه با یک نظم ساده، رنگ به نسبت فرم از اهمیت بیشتری برخوردار است. به عبارت دیگر در یک پیام، اجزاء مربوط به رنگ بیشتر بخشی از اطلاعات زیباشناختی بوده و اجزاء وابسته به فرم بیشتر به بخش سمانتیک (تعبیری) آن هستند (گروتر، ۱۳۸۸، ص ۴۸۹). رنگ های متفاوت هر کدام دارای یک اثر ویژه روانی بر روی بیننده هستند و این اثر بیش از هر چیز تابع سه عامل است:

۱. اول مکانی که رنگ در آن بکار رفته است؛
۲. دوم فرهنگ و یا به عبارتی دیگر واحد مقیاس ذهنی و
۳. سوم عوامل اجتماعی - روانی که بر بیننده اثر دارند (گروتر، ۱۳۸۸، ص ۴۸۸).

است، در تغییر نوع نور روز به شب، موضوع حفظ هویت نه تنها نباید از بین برود بلکه باید موکداً بر آن تاکید و تشدید نیز شود و هماهنگی و هارمونی این دو رویکرد در نورپردازی است که می تواند منظر شبانه با مولفه زیباشناسانه را پدیدار گرداند (bartenbach, ۲۰۰۹).

راهبردهای طراحی سایه یکی از موضوعات اصلی مولفه زیبایی شناسی منظر شبانه می باشد. روی هم پوشانی سایه ها می تواند به اندازه میزان روشنایی در ایجاد حس مکان مهم و موثر باشد (Jarvis and charnley, ۲۰۱۲). برای تامین این موضوع حس سه بعدی (شامل بیرون زدگی و تورفتگی) که موضوع سایه ها می باشند، بسیار مورد توجه قرار می گیرد. از آنجایی که معماری و طراحی شهری عمدتاً شامل توده و فضا می باشند، این موضوع یکی از اصول اصلی کار بوده و در طرح ها علاوه بر اینکه نماها نورپردازی می شوند، به عمق ها نیز باید تاکید شود (santen, ۲۰۰۷). انتخاب صحیح تکنیک نورپردازی در این مرحله از کار بسیار مهم می باشد. تکنیک هایی که هر کدام با میزان شدت

رنگی که توسط نور ایجاد می شود نوعی از انرژی است و این انرژی بر عملکرد بدن، ذهن و احساسات انسان تاثیر گذار است. رنگ بر فعالسازی غشایی (موج های مغزی)، عملکرد دستگاه عصبی خود مختار (که سیستم داخل بدن را کنترل می کند) و فعالیت های هورمونی تاثیرگذار است و به دنبال آن رنگ احساسات زیبا شناسانه را بر می انگیزد (Vetch and Newsham, ۱۹۹۸).

در نورپردازی فضاهای شهری، انتخاب صحیح رنگ نور و مکان آن و موضوعی که نیاز به رنگ های خاص دارند موضوع اصلی رنگ نور بوده تا بتوان تعادلی میان اتحاد و پیچیدگی نور و رنگ محیط ساخته شده بوجود آورده و به دنبال آن حس خوشایندی و دلپذیری عموم مردم را تامین کرد. بسیاری از روانشناسان معتقدند که ارتباط بین رنگ های مختلف و عکس العمل های احساسی در مردم، در نتیجه آموزه های فرهنگی می باشد. رنگ محیط ساخته شده در مقیاس های گوناگون معانی مختلفی دارند. این معانی اغلب تابعی از عرف رایج در جوامع هستند. مردم اگر در مورد مفاهیم عرفی حتی سابقه و شناخت روشنی نداشته باشند، باز هم آن را درک کرده و عرف و مفاهیم رنگ در جوامع مختلف متفاوت می باشد (لنگ، ۱۳۸۳، ص ۲۷۳). رنگ ها در فرهنگ های مختلف، نماد فعالیت ها و عملکردهای خاصی بوده و در منظر شبانه زیباشناسانه، استفاده مناسب از رنگ نور در هماهنگی و تعادل عملکرد فضا می باشد. از طرفی دیگر منظر شبانه زیباشناسانه در تقابل انعطاف پذیری با رنگ نور خود قرار می گیرد. این بدین معنی می باشد که منظر شبانه شهر به تجربیات مختلف انسان ها و احساسات آنها در زمان های مختلف احترام گذاشته و همراه با نیاز مخاطبان خود تغییر می یابد. نورپردازی و رنگ نور ویژگی برای منظر شبانه بوجود می آورند که همراه با نیازهای مخاطبان قابل تغییر بوده و در طی زمان تجربه های متفاوتی از خود را به عینیت می رساند. تغییرات زمانی با دو مقیاس بیان می

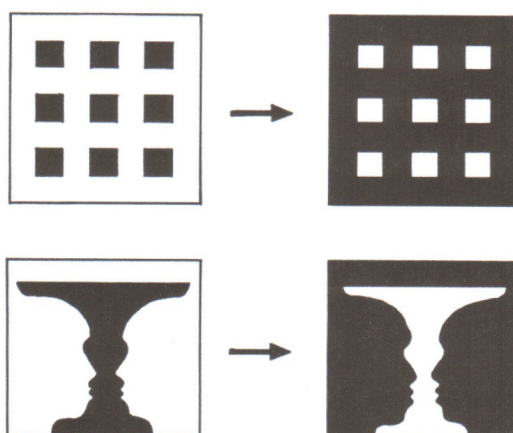
گردد. اولین مقیاس تغییرات دراز مدت و دومین، در کوتاه می باشد. بعضی از وقایع و رویدادها در طی فواصل زمانی طولانی رخ داده و نیازمند پیش بینی در زمان خاصی از سال یا ماه یا حتی هفته می باشند. به عنوان مثال یکبار در سال، تحویل سال نو و یا مراسم عزاداری خاصی اتفاق می افتد. نورپردازی و رنگ آن در فضاهای شهری می بایست در برابر این ایام انعطاف پذیر بوده و متناسب با نیاز شهروندان عینیت یابد. از طرف دیگر فضاهای شهری ماهیتا غیر منقول بوده و این انسان است که با حرکت در فضا آن را درک می کند. و از آنجایی که هر حرکتی نیز نیاز به زمان دارد، لذا تجربه فضاهای شهری نیازمند زمان بوده و بخشی از این بازه زمانی برای گذران اوقات فراغت انسانها در زمان تاریکی اتفاق افتاده و انسانها تا پاسی از شب در فضاهای شهری در حال رفت و آمد هستند. منظر شبانه شهر به کمک نور و رنگ آن شرایطی را فراهم می آورد تا از زمان شروع تاریکی تا پاسی از شب، بسته به نیاز استفاده کنندگان تجربه های متفاوتی را برای افراد عینیت ببخشاند.

عناصر مصنوع منظر شبانه زیبا شناسانه

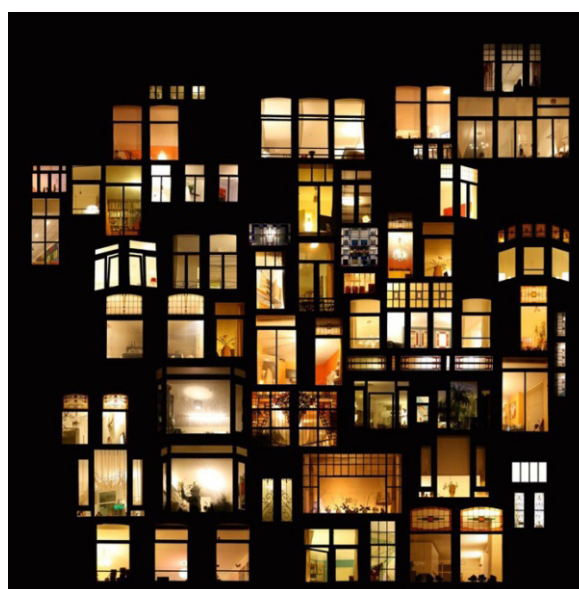
موضوع اصلی عناصر مصنوع در منظر شبانه زیبا شناسانه احجام کالبدی و اندام واره هایی می باشد که ساختار فضاهای شهری را شکل داده اند. برای رسیدن به کیفیت زیبا شناسی، دستاوردهای معماری شامل تاکید بر سطوح شهر (کف خیابانها، ساختمان ها، بدنه های پلها و...)، اجزای مستقر در فضا (المان ها، مجسمه ها، مبلمان و...)، جزئیات معمارانه در نماها و ارتباط آنها با مصالح، فرم ها و موقعیت ابزارهای روشنایی موضوع اصلی کار می باشند. (casciani, ۲۰۱۲) در این راستا جهت تامین کیفیت موردنظر در خصوص نماها و بدنه های شهری، همگرا کردن مناطق مختلف شهری که هر کدام مشخصات و خصوصیات معمارانه خود را دارند موضوع اول عناصر مصنوع منظر شبانه می باشند (Litch, ۲۰۰۲).

تغییرات فرمی در دیدگاه مدرنیست، موجب تغییر در نماهای ساختمانها شده و استفاده بیشتر از شیشه در آنها به عنوان یکی از محصولات معماری مدرن، موجب شفاف شدن بدنه های شهری گردیده است. این موضوع در شب موجب شده تا روشنایی داخل به راحتی به خارج نیز انتقال یابد و وارونگی شکل و زمینه از طریق دیوارهای ساختمان ها طی روز با پنجره های روشن زمان تاریکی، موجب وارونگی گشتالت در شب گردد (نوبآشی هارا، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰). به عبارت دیگر، می توان بیان داشت که

منظر شبانه شهر ساختارشکن بوده و در زمان تاریکی ساختار شکلی خود را متفاوت با روز خود در معرض نمایش قرار می دهد. این رویداد در منظر شبانه موجب می گردد که نورپردازی نمای ساختمان ها شامل دو پارامتر گردند. اول نورهای از داخل به بیرون و دوم نورهایی که از بیرون می تابند. منظر شبانه زیباشناسانه ترکیب بندی هماهنگ برای این دو موضوع را برقرار کرده و شهر زمانی زیبا و جذاب می شود که نور (به شکل طبیعی) از داخل خانه ها و ساختمانها به بیرون تابیده شود. نور تابیده شده



تصویر ۱. وارونگی شکل و زمینه در منظر شبانه شب نسبت به روز آن؛ ماخذ: نوبآشی هارا، ۱۳۹۱، ص ۱۱۱.



تصویر ۲. القای حس سه بعدی در بدنه های شهری از طریق نور تابیده شده از داخل به بیرون (url:1)

از داخل ساختمان ها به بیرون آنها در ترکیب با فضای خارجی که آن نیز نورپردازی شده است، خود به تنهایی کافی بوده تا بتواند جلوه ای زیبا از معماری را به تصویر بکشد، و این موضوع از طریق بدنه های شفاف با القای یک حس سه بعدی، زیبایی معماری ها را چند برابر کرده و با رویت فضای پشت نما، حس مکان را افزایش می دهد (Santen, ۲۰۰۷). در مورد نورپردازی از بیرون به نمای ساختمان قسمتی هایی از ساختمان که مهم است و شمایل معمارانه دارند می توانند نورپردازی شوند. موضوع سایه اندازی در این مرحله بسیار موثر بوده و هر چقدر منابع نوری به ساختمان نزدیک تر باشد، امکان ایجاد سایه های عمیق که برانگیزاننده احساسات بیننده باشد بیشتر بوده و غنای بصری را افزایش می دهد. در این نوع نورپردازی کلیت نمای ساختمان حفظ شده و نورپردازی با تاکید بر جزئیات، نباید باعث حواس پرتی بیننده شود. در ساختمان هایی که در روز شفاف می باشند، نورپردازی شبانه آنها نبایستی به کلیت شفافیت آنها خللی وارد کرده و در طول شب نیز همانقدر شفاف ظاهر گردند. نورپردازی ساختمان باید متعادل باشد و در غیر این صورت ارتباط آن با محیط اطراف مختل خواهد شد. روشن کردن بیش از حد جزئیات نما نیز اطلاعات را مبهم و غیر قابل درک می کند و چنانچه از نورهای رنگی بیشتر از اندازه استفاده شود، نورپردازی خود باعث جلب توجه شده و معماری ساختمان مغفول واقع می شود. محل اتصالات نوری در نورپردازی ساختمان ها مهم بوده و بایستی در جایی نصب شوند که دیده نشده و حواس پرتی ایجاد نکند (Santen, ۲۰۰۷).

موضوع مورد توجه دیگر در عناصر مصنوع مولفه زیبا شناسانه منظر شبانه، امکانی می باشد که تکنولوژی جدید با اختراع انواع تجهیزات نوری برای نمایش جلوه های ویژه بوجود آورده است. بدنه های شهری خصوصاً عناصر نشانه ای مقیاس شهری شرایطی را فراهم می آورند که این بدنه ها

در شرایط و زمان های خاص هیجان و لذت مردم را برانگیخته و تصاویر زیبایی را از خود به نمایش گذارند و در ذهن مردم به عنوان مناظر زیبای شبانه ثبت گردند. در منظر شبانه زیباشناسانه المان های روشنائی به عنوان عناصر مستقر در فضا مورد توجه می باشند. این المان ها از دو نظر قابل بررسی می باشند:

۱. اول موقعیت آنها نسبت به یکدیگر و جلوه ای که در روز از خود به نمایش می گذارند. این عناصر که در نور روز در لایه منظر به روشنی قابل ادراک هستند، باید هم از لحاظ معماری و هم از لحاظ موقعیت و زمینه خود هوشیارانه مورد استفاده قرار گیرند و به تعبیر کالن وحدت در مقیاس داشته و میزان رویت آنها و به جا بودنشان لحاظ گردد (کالن، ۱۳۸۲، ص ۱۴۴)؛ و

۲. موضوع دوم شکل نور، جهت و هندسه ای می باشد که روشنائی حاصل از این المانها پدیدار می سازند.

دیده نشدن منبع نوری، روشنائی یکنواخت حاصل از این منابع و ارتباط آنها در دید و توجه به خط تراز پرسپکتیو دید ناظر و هندسه نور تابیده شده می تواند تجارب زیبا شناسانه متفاوتی برای افراد به دنبال داشته باشد.

عناصر طبیعی منظر شبانه زیبا شناسانه

عناصر طبیعی منظر شهر عامل هویت طبیعی شهرها بوده و وجه تمایز یک شهر از شهر دیگر می باشد. این عناصر چنانچه با استفاده صحیح از رنگ نور، راهبردهای مناسب نور و سایه در کنار هم و همچنین تکنیک های نورپردازی، معمارانه و هنرمندانه نورپردازی شوند، می توانند مناظری آرامش بخش و زیبا خلق نمایند. آب یکی از عناصر طبیعی می باشد که زیبایی و خوشایندی منحصر به فردی به منظر شهر می افزاید. یک ساختمان نورپردازی شده با تمامی زیبایی خود، یک تصویر ثابت ایجاد می کند، ولیکن بستر آب جاری و یا ساختار آبناها سرزندگی بوجود آورده و موجب می

گردد تا محیط اطراف فرحبخش شود. نورپردازی آبنماها زمانی زیبا می باشند که پشت زمینه آنها تا حد امکان تاریک بوده و خصوصاً زمانی که نورهای مورد استفاده رنگی باشد این جلوه چند برابر می گردد. میدان های بزرگ و بلوارهای پهن بهترین محیط برای این منظور هستند. فوران آب در هوا نور را جذب کرده و آن را به شکل زیبایی پراکنده می کند (Santen, 2007).

توده های سبز عناصر طبیعی، موضوع دیگر مورد بحث در مولفه زیبایی شناسانه منظر شبانه هستند. نورپردازی مناسب بایستی پاسخگوی منظر آنها بخصوص ویژگی ها و رنگ های گیاهان موجود باشد. نورپردازی این فضاها بسیار واجد اهمیت بوده چرا که از یک طرف نیاز به دعوت کنندگی مخاطب به تامل و مکث و جذابیت بخشیدن به محیط بوده و از طرف دیگر شدت نورپردازی بیش از حد و کنتراست های دید در این فضاها می توانند باعث خیرگی شده و علی رغم اینکه این عناصر سطح مناسبی از نورپردازی و زیبایی را دارا می باشند، باعث بوجود آمدن فضاهای متروک و غیرقابل استفاده گردند (bartenbach, 2009). این لکه های سبز که نیازمند توجه ویژه ای هستند، باید بعد از غروب نیز فعال بوده و مردم بدانند چه چیزی و در کجا اتفاق می افتد. در انتخاب نوع گونه گیاهی نورپردازی درختان برگ ریز نسبت به درختان کاج و مخروطی شکل نورهای متفاوتی را نیاز دارند و باید توجه داشت که همه عناصر نباید نورپردازی شوند. به عنوان مثال درختانی که ظاهر جذاب و زیبایی را دارا می باشند، می توان در تاریکی قرار داد و از آنها فقط برای ظاهری شبه گونه جهت القای حس عمق، استفاده کرد. نورپردازی درختان عموماً از کف زمین می باشد و احتیاجی به ستون و پایه ندارند، در نتیجه این تکنیک نورپردازی به جذابیت فضا می افزاید و ترکیب هنرمندانه نور و سایه باعث خلق منظری منحصر به فرد می شود (Litcht, 2002). توپوگرافی های شاخص شامل تپه ها و یا دره های

شهر، عناصر طبیعی دیگری می باشند که می توانند جلوه های زیبایی برای منظر شبانه بوجود آورند. این عناصر به دلیل پستی بلندی هایی که دارند و از دور قابل رویت هستند، از طرفی قابلیت استتار منبع نور را داشته و از طرفی دیگر موجب پدید آمدن تصاویری با سایه و عمق های متعدد شده که ابهام انگیز بوده و جلوه های زیبایی را برای منظر شبانه شهرها پدید می آورند.

انسان و فعالیت هایش در منظر شبانه زیبا شناسانه

از آنجایی که تجربه زیبا شناختی بایستی از تمام مقاصد طراحی بدست آید، حس لذت از ارضای مجموعه ای از این مقاصد حاصل می شود. بنابر این انسان ها لذت را از محیطی کسب می کنند که ساختار آن الگوهای جاری رفتار و آسایش فیزیولوژیکی مورد نیاز آنها را در کنار یکدیگر به خوبی تامین کند (جان لنگ، ۱۳۸۳). در کنار حس لذت تجربیات حسی بر گرفته از ویژگی های فرمی، حس لذت از پاسخ به ساختار یک قرارگاه رفتاری موضوع دیگر می باشد که موجب تجربه زیبا شناسی برای استفاده کنندگان می گردد. موضوعی که برگرفته از نظریات رویکرد تجربی به زیبایی شناسی محیط بوده و در جنبش های برگرفته از زیبایی شناسی فرمی لحاظ نمی گردید. چنانچه محیط بستری را فراهم آورد تا نیازهای انسان در تمامی سطوح دیده شده باشند آن محیط برای مردم لذت بخش و زیبا خواهد بود. منظر شبانه فضاهای شهری هر چقدر نیازهای زیبایی شناسی فرمی انسانها را تامین کنند ولی خالی از حضور، هیاهو و فعالیت های انسانی باشند، انسان ها میل به حضور و ماندن در آن فضاها را نداشته و تجربه زیبا شناسی افراد را پاسخگو نبوده است. دیدن تعاملات اجتماعی انسانها در منظر شبانه شهر و قرارگاه های رفتاری آن ها در سطوح مختلف بر حسب نیاز آنها از میزان روشنایی، همانقدر موضوع تجربه زیبا شناسی از محیط می باشد که دیدن بدنه های نورپردازی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۲۰۱

جدول ۲. جمع بندی اهداف و معیارهای منظرشانه زیباشناسانه و نقش اجزای آن؛ ماخذ: نگارندگان.

نقش هر یک از عناصر منظر			
فعالیت های انسانی در منظر شبانه	عناصر طبیعی در منظر شبانه	عناصر مصنوع در منظر شبانه	اهداف اصلی مولفه کیفی
- حس لذت بر گرفته از تجربه زیبا - شناختی در پاسخ به یک قرارگاه رفتاری - دیدن حضور، هیاهو و تعاملات اجتماعی انسانها و قرارگاه های رفتاری آنها در منظر شبانه شهر - تألیف سطوح مختلف روشنائی برای انجام فعالیت های متنوع در قلمروهای رفتاری مختلف در فضاهای شهری - تعیین حد و مرز برای انجام فعالیت های مختلف با قلمروهای متفاوت از طریق نورپردازی و تکنولوژی های جدید	- تاکید بر عناصر هویت طبیعی شهر در منظر شبانه - خلق مناظری آرامش بخش و زیبا از طریق نورپردازی معمارانه عناصر طبیعی - بکارگیری راهبردی رتبه سایه و نور در نورپردازی عناصر طبیعی - استفاده از عنصر آب و تاکید بر ویژگی سر زندگی آن در نورپردازی - توجه به رنگ نور استفاده شده برای گیاهان با توجه به گونه آنها - توجه به گونه گیاهی در انتخاب موقعیت و جهت و تکنیک نورپردازی - استفاده از درختان با ظاهر جذاب و زیبا در تاریکی در برابر سایر درختان - نورپردازی شده برای القای حس عمق و سرزندگی - استفاده از تکنیک های متنوع جهت نورپردازی گیاهان مختلف در یک محیط - ایجاد تصاویر با عمق و سایه زیبا در تصویرگری های خاص شهر مثل تپه ها و دره ها.	- تاکید بر دستاوردهای معماری شامل کف خیابان ها، نماها، بل ها،... همچنین اجزا مستقر در فضا مانند المانها، مجسمه ها، مبلمان و ... - توجه به جزئیات نماها و ارتباط مصالح، فرمها و موقعیت اجزا روشنائی - همگرا کردن مناطق مختلف شهری با خصوصیات معماری متفاوت و ایجاد راهبرد واحد در (openness) در ایجاد حس دلپذیری - نورپردازی ساختمان ها - عدم استفاده از نورهای شتبع و بدون فکر و لایه - توجه به وارونگی گنگنات در شب و ایجاد هماهنگی و هارمونی نورهای داخل بنا و نورپردازی های از خارج بنا و القای حس سه بعدی - استفاده از عمق در نماها برنگزینده حس بیننده - حفاظت کلیت نمایی ساختمان در نورپردازی و جلوگیری از تاکید فقط بر جزئیات نما - جلوگیری از بین رفتن شفافیت روز نماها بوسیله نورپردازی نامناسب در بدنه های شفاف - تبادل در نورپردازی نماها - جلوگیری از نورپردازی با رنگ های بسیار متنوع - انتخاب محل مناسب منبع نوری و دیده نشدن آن - ایجادهیجان و لذت با استفاده از تکنولوژیهای نورپردازی عناصرشانه ای در زمینه های خاص سال - توجه به المانهای روشنائی و وحدت و مقیاس آنها در روز و شکل نور، جهت نور و هندسه نور آن ها در شب - توجه به موقعیت و خطا تراز دید ناظر و منابع نوری	- حضور ایمن و لذت بخش در عرصه های عمومی - تأمین حس عمومی خوشایندی (well _ being) - تأمین آسایش و راحتی محیطی - مطلوب برای هم استفاده کننده و هم بازدیدکننده - نورپردازی معمارانه و خلق طرح هماهنگ و خوش آهنگ در درون خود و همچنین با کل ساختار نوری - تعامل میان محیط طبیعی و مصنوع در منظر شبانه - جلوگیری از افراط و تفریط در نورپردازی و ایجاد محیطی آرام و جذاب - کمک به سلامت و آسایش انسان با جلوگیری از آشنفنگی منظر شبانه - هماهنگی و هارمونی بین نورهای عملکردی و زیبا شناسانه در ایجاد هویت متمایز - تاکید بر بعد سوم به کمک بکارگیری استراتژی سایه در نورپردازی ها - استفاده از رنگ نور مناسب با آگاهی از سواد بصری رنگ شناسی و تاثیر آن بر احساسات انسان - تاثیرپذیری از آموزه های فرهنگی در انتخاب رنگ نور - ایجاد تعادل میان اتحاد و پیچیدگی نور و رنگ و عناصر منظر - تقابل انحطاط پذیر مابین رنگ نور و منظر شبانه شهر
منظر شبانه زیبا شناسانه			مولفه

شده زیبا، توقع انسانهاست. تعاملات اجتماعی که هر کدام بسته به نوع قلمروی رفتاری خود نیازمند سطوح مختلف از روشنایی بوده و تامین حدود مختلف روشنایی موجب شکل گیری این تعاملات اجتماعی و بدنبال آن حضور پذیری انسانها می گردد.

نتیجه گیری و جمع بندی

یکی از مولفه ای کیفی منظر شبانه شهر، مولفه زیبایی شناسی آن می باشد. عناصر منظر شبانه شهر شامل عناصر مصنوع، عناصر طبیعی و فعالیت های انسانی می توانند هر کدام شرایطی را فراهم آورند تا حس زیبایی شناسی انسانها در زمان تاریکی شب و در لایه منظر شهر در زمان پرسه زدن های شبانه و گذراندن اوقات فراغت تامین شده و بدنبال آن تصویر ذهنی مطلوب از شب شهر در ذهن افراد ثبت گردانند. در جدول ذیل اهداف و معیارهای اصلی مولفه زیبایی شناسی منظر شبانه و نقش هر یک از عناصر منظر شبانه شهر به صورت خلاصه بیان گردیده است.

منابع و مآخذ

امین زاده، بهناز (۱۳۸۷) نورپردازی شهری و نقش آن در طراحی مناظر شفافبخش، مجموع مقالات نخستین همایش نورپردازی شهری، سازمان زیباسازی شهر تهران.

بل، سایمون (۱۳۸۶) منظر الگو، ادراک و فرایند، ترجمه: امین زاده، بهناز، تهران، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) سیر اندیشه ها در شهرسازی (۲) از کمیت تا کیفیت، شرکت عمران شهرهای جدید.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۹) سیمای شهر و آنچه کوبین لینچ از آن می فهمید، صص ۱۶۹ - ۱۴۹، مقالاتی در باب معماری طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات آرمان شهر.

حبیب، فرح (۱۳۹۱) جستارهای شهرسازی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

حبیبی، رعنا سادات (۱۳۸۷) تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۵، صص ۵۰-۳۹.

رلف، ادوارد (۱۳۸۹) مکان و بی مکانی، ترجمه: محمدی، محمد رضا، تهران، انتشارات آرمان شهر.

قربانی نیا، آرزو (۱۳۸۹) بررسی الگوهای برنامه ریزی کارکردهای اجتماعی شبانه در فضاهای عمومی شهری، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.

کارمونا، متیو (۱۳۸۸) مکان های عمومی فضاهای شهری، ترجمه: قرائی، فریبا، تهران، دانشگاه هنر.

کالن، گوردون (۱۳۷۷) گزیده منظر شهری، ترجمه منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران.

گروتز، یورک (۱۳۸۸) زیبایی شناسی در معماری، جان شاه پاکزاد، مرکز چاپ و انتشارات شهید بهشتی، تهران

گل، یان (۱۳۸۷) زندگی در فضاهای میان ساختمان ها، ترجمه: شصتی، شیما، تهران، سازمان جهاد کشاورزی.

گل، یان (۱۳۸۹) فضاهای عمومی و زندگی جمعی، ترجمه: غفاری، علی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

گلکار، کوروش (۱۳۸۸) بازنگری در سیمای شهر، فصلنامه صفه، شماره ۳۴، ص ۷۵

گلکار، کوروش (۱۳۸۸) محیط بصری شهر، فصلنامه علوم محیطی، سال پنجم، شماره چهارم، صص ۹۵-۱۴۴

لنگ، جان (۱۳۸۳) آفرینش نظریه معماری، علیرضاعینی فر، انتشارات دانشگاه تهران.

لنگ، جان (۱۳۸۳) نظریه معماری، ترجمه: عینی فر، علی رضا، تهران، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.

لینچ، کوبین (۱۳۸۷) سیمای شهر، ترجمه: مزینی، منوچهر، تهران، چاپ هشتم، انتشارات دانشگاه تهران.

یوشی، نوبا آشی هارا (۱۳۹۱) زیبایی شناسی منظر،



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۲۰۳

ترجمه فرح حبیب، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد علوم و تحقیقات تهران.

دریایی، نازیلا (۱۳۸۶) زیبایی شناسی در فرش
دستباف ایران، مرکز ملی فرش ایران.

--- (۱۳۸۰) روشهای پاکسازی نمای شهری: سازمان
زیباسازی شهرداری تهران.

ظهراپی، مرتضی (۱۳۸۰) پروژه برنامه ریزی استراتژیک،
سازمان زیباسازی شهر تهران.

گروتز، یورگ کورت (۱۳۸۸) زیبایی شناسی در معماری:
ترجمه جهانشاه پاکزاد و عبدالرحمن همایون:
دانشگاه شهید بهشتی.

Bartenbach, Christian (2009), "Creation of Light Mi-
lieus"

Casciani, Daria (2012), "ELSE, Experience Of Light-
ing Sustainability In The Environment", cumulus,
Helsinki

Jarvis, Tom, and Charnley, Megan (2012): "In The
Shade: Lighting Local Urban Communities"

Licht, fordergemeinschaft (FGL) (2002): "Urban
Image Lighting", Booklet 16, Information On Light-
ing Application, Frankfurt:

Santen, christa van (2007), Light Zone City, light plan-
ning in the urban context, Birkhäuser Architecture;
1 edition

Veitch, J. A, and Newsham, G. R. (1998), Determinats
of lighting quality, State of the science, Journal of the
Illuminating Engineering Society

William. M. C. Lam (1965) The Lighting Of Cities,
McGraw-hill

URL: 1: [http://www.chillhour.com/img/photo/
night_windows_in_collages/night_windows_1.jpg](http://www.chillhour.com/img/photo/night_windows_in_collages/night_windows_1.jpg)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No. 41 Winter 2015

■ ۲۰۴ ■